



در جنگ و پس از جنگ

دکتر حسین علیی

خیر و برکت و تأثیر بوده است. کارنامه زندگی پر تلاش او را که مرور می‌کنیم با عرصه‌های گوناگونی از فعالیت‌ها و تلاش‌های مستمر مواجه می‌شویم که او را تبدیل به یک انسان کار آزموده و آبدیده و پر توان نموده بود که در اوج کارایی و توانمندی به ناگهان از دنیای فانی رخت بر بست و جاودانه شد و شهادت به او زندگی و حیات دائمی بخشید.

دوران تلاش‌ها و اقدامات احمد کاظمی رامی توان به شرح ذیل تقسیم نمود:

الف - دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس

۱- حضور مستمر در میدان جنگ و سازمان دادن لشکر ۸ نجف

ایشان از همان ماه‌های آغاز حمله سراسری صدام به خاک ایران اسلامی از منطقه درگیری با گروه‌های مسلح مورد حمایت صدام در استان کردستان به جبهه جنوب آمد و در کنار سرداران نامدار سپاه اسلام رحیم صفوی، غلامعلی رشید، جعفر اسدی و مرتضی قربانی قرار گرفت و بلافاصله در جبهه فیاضیه آبادان که در آن زمان ارتش بعثی تلاش وسیعی برای تکمیل محاصره و اشغال آن شهر مقاوم داشت، مستقر شد و نقطه‌ای از آن منطقه را انتخاب کرد که بتواند جبهه‌ای فعال علیه دشمن تشکیل دهد

سرانجام پس از یک دوره طولانی جهاد در راه خداوند بزرگ و حضور مستمر در صحنه‌های مختلف دفاع از انقلاب اسلامی و خلق حماسه‌های ماندگار در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، احمد کاظمی به همراه جمعی دیگر از چهره‌های سرشناس و فداکار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از میان ما به سوی رفیق اعلی پرواز کردند. احمد حق جهاد را ادا کرد و سراسر زندگی و حیات خود را وقف آن کرد.

به گواه آنانی که او را می‌شناختند، کاظمی فرمانده‌ای برجسته و کاردان و رزمنده‌ای خلاق و کوشا و سرداری مورد تحسین همگان بود. احمد و دوستانش در زمانی که خیلی به وجود امثال آنان نیاز بود به سرای باقی شتافتند و خود به فوز عظیم رسیدند ولی خسارت بزرگی نبود آنان برای کشور و نیروهای مسلح ایجاد شد. گرچه آنان فراموش نمی‌شوند ولی جای خالی آنان با گذشت هر چه بیشتر زمان با حسرت فروان تری احساس می‌شود. فقدان احمد به خصوص در شرایط فعلی تأسف و تأثر عمیقی را در میان مردم ایران باعث شده است.

این تأسف ناشی از این واقعیت مهم است که احمد برای قدرت دفاعی ایران و دست اندرکاران امنیت ملی کشور، همواره منشاء

و مقاومت تازه ای را در آبادان شکل دهد. او توانست به سرعت در رأس یک گروه از رزمندگان شهر، نجف آباد قرار گیرد که همگی پر از امید، انرژی، نشاط و سلحشوری بودند و قدرت ایستادگی در مقابل دشمن مغرور را از ایمان عمیق خود به خدای متعال و نیز از صلابت و منش و سخن امام عزیزشان خمینی کبیر می گرفتند.

او در این هنگام در مقام یک سازمان ده خوش ذوق، هسته ای رزمی را به وجود آورد و با درگیر شدن با دشمن به مرور آن را توسعه داد و خود و نیروهایش و سازمانش با شتاب فراوان، در برابر دشمن تجربه اندوخته و از هر نظر گسترش یافتند تا در نهایت آن نیروهای رزمی تبدیل به تیپ و سپس به لشکر ۸ نجف اشرف ارتقاء یافتند. لشکری که در همه جای جبهه چون نگین می درخشید و یکی از یگان های قوی رزم دیده، کارآمد و پر قدرت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. احمد به خوبی توانست خواسته فرمانده آینده نگر وقت سپاه را مبنی بر تشکیل یک یگان رزمی انعطاف پذیر و با روحیه تهاجمی و پر ظرفیت ایجاد نماید، آموزش دهد، تربیت کند و پرورش دهد و در عملیات های مختلف در طول دوران دفاع مقدس به کار گیرد به طوری که در خاطره حماسه آفرینی های دوران دفاع مقدس، هیچ عملیات مهمی نیست که نام لشکر ۸ نجف و نام فرمانده دلاورش احمد کاظمی از آن خالی باشد. عملیات های مهمی مانند نبرد برای شکست حصر آبادان (ثامن الائمة)، عملیات فتح المبین برای آزادسازی سرزمین های غرب شهرهای دزفول و شوش، عملیات بیت المقدس برای فتح خرمشهر و رسیدن به مرزهای بین المللی، عملیات والفجر ۸ برای تصرف فاو و کشاندن جنگ به خاک دشمن جهت ایجاد فشار اساسی به خصم به منظور تسلیم شدن و همچنین عملیات کربلای ۵ برای انهدام ماشین جنگی صدام. او ظرفیت وسیعی را با عنوان لشکر ۸ نجف به وجود آورد که توانست استعداد های مختلف مردم را در قالب نیروهای داوطلب بسیجی به کارگیری نماید. او در واقع دست به یک نهادسازی و ایجاد یک سازمان مناسب رزمی به همراه یک ساختار منعطف برای مقابله با دشمن بعضی

زد و لشکری را بر اساس دیدگاه ها و ارزش های اسلامی بنانهاد که توانی را بیش از استعداد سازمانی مرسوم لشکرها می توانست در خود سازمان دهد و علیه دشمن به کار گیرد. این لشکر توانست فرهنگ اسلامی را به عنوان فرهنگ سازمانی خود به خوبی در واحدهایش مستقر سازد.

۲- ابداع تاکتیک های مناسب برای فاتح آمدن بر دشمن

او به سرعت دریافت که برای ایستادگی در مقابل دشمن به خصوص در شرایط نابرابر از نظر سازمان و تجهیزات و مهمات باید با اتکال بر خداوند متعال و اطمینان از نصرت الهی از عنصر ابتکار عمل و یادگیری از صحنه های نبرد و تلاش گسترده برای به ثمر رساندن اقدامات، بهره بردار و خود شیوه های جدیدی را برای درگیری و غلبه بر دشمن طراحی و اجرا می کرد و برای یادگیری نیز از روش های مؤثری استفاده می نمود. او هم از شیوه ها و تاکتیک های دشمن می آموخت و هم با بازدید از جبهه های تحت کنترل سایر فرماندهان روش های تاکتیکی آنها و شیوه های رزم آنها را علیه دشمن مورد بررسی قرار می داد و به تبادل نظر در این زمینه با سایر فرماندهان و مسئولین خط می پرداخت. این شیوه و روش های مبتکرانه اتخاذ شده، برای رودررویی با دشمن، قدرت وسیعی را برای رزمندگان پراکنجه حاضر در جبهه های نبرد به وجود آورد و راه حل های مؤثر و جذابی را برای درگیری و نبرد با دشمن به منظور تسلط و غلبه بر وی، ایجاد نمود. خلق این تاکتیک ها علامت ذکاوت و ذهن خلاق و پویای فرماندهان دفاع مقدس و اراده مصمم آنها برای شکست دادن دشمن بود.

این تاکتیک ها که به عنوان فرهنگ رزمی سپاه به طور عملی در همه یگان ها اجرا می شد به طور کلی عبارت بودند از:

الف- برنامه ریزی برای حمله به نقاط ضعف دشمن.

ب- پرهیز از تک جبهه ای.

ج- تلاش برای دور زدن دشمن.

د- هدف گرفتن عقبه و مسیرهای تدارکاتی دشمن.

ه- تلاش برای مختل کردن سیستم کنترل و فرماندهی دشمن.

و- استفاده از تاکتیک های تازه در هر عملیات و عدم اتکا به

او ظرفیت وسیعی را با عنوان لشکر ۸ نجف به وجود آورد که توانست استعداد های مختلف مردم را در قالب نیرو های داوطلب بسیجی به کار گیری نماید.

او در واقع دست به یک نهاد سازی و ایجاد یک سازمان مناسب رزمی به همراه یک ساختار منعطف برای مقابله با دشمن بعثی زد و لشکری را بر اساس دیدگاه ها و ارزش های اسلامی بنا نهاد که توانی را بیش از استعداد سازمانی مرسوم لشکر ها می توانست در خود سازمان دهد و علیه دشمن به کار گیرد.

تاکتیک واحد در برابر دشمن.

ز- استفاده از شیوه های غافلگیرانه و نیز انتخاب مسیر های دشوار برای تماس با دشمن بجای مسیر های آسان مورد توجه دشمن.

(مثل آنچه در عملیات فتح المبین با استفاده از احداث جاده در تنگه زیلجان و استفاده از تنگه رقابیه برای انهدام مقر فرماندهی دشمن، اتفاق افتاد و لشکر نجف موفق شد بارفتن به سوی جاده فکه، مسیر های تدارکاتی، تدارکات و عقبه سایر لشکر های دشمن در این منطقه را تهدید کند).

ح- اتخاذ شیوه های مبتکرانه برای شکستن خط اول دشمن.

ط- انجام عملیات نفوذ عمیق در دل دشمن (مثل آنچه در عملیات رمضان انجام شد و لشکر نجف تا نهر کتیبان پیش رفت).

ی- هدایت نیرو های تکاور در صحنه نبرد:

احمد به فرماندهی و هدایت رزمندگان در میدان رزم و در صحنه عمل اعتقاد داشت و خود جلو می رفت و به رزمندگان

می گفت بیایید. بارها رزمندگان لشکر، او را با موتور سیکلت در خط مقدم جبهه دیده بودند که چگونه با تحرک فراوان، راه کار های خود را ارائه می داد.

شهید کاظمی با مطالعه میدانی و با اندیشه کردن در مورد هر عملیات و با تدبیر تمام، تاکتیک نبردهای گردان ها و واحدهای تحت امر خود را متناسب با تدبیر و هدف کلی عملیات، طراحی و برنامه ریزی می کرد و دلاورانه و با قدرت تمام آنها را به اجرا در می آورد.

احمد فردی شجاع، ترس و با استقامت در برابر دشمن بود و روحیه سرسخت او در برابر دشمن به همه رزمندگان لشکر نجف سرایت کرده بود. او با بصیرت تمام در برابر دشمن اقدام می کرد و در مسیر هدف روشن خود، سست نمی شد. لشکر نجف مصداق حدیث شریف "حَمَلُوا ابْصَارَكُمْ عَلَى اسْبَافِهِمْ" بود. او به اندیشه و تفکر امام خمینی رحمه الله علیه به وضوح پایبند بود و بصیرت نظری کافی برای مقابله با دشمن عنود داشت لذا به هنگام عمل و اقدام علیه ارتش صدام، هیچ گاه دچار تزلزل و سستی نمی گردید و در صحنه برخورد و رویارویی با دشمن و در میدان عمل و رزم، شجاعت و قهرمانی می یافت.

او به خوبی در یافته بود که دشمن بعثی در هر عملیات با سلاح ها و تجهیزات جدید و پیشرفته تر، با تاکتیک های بهتر و حساب شده تر، با توان بیشتر و قوی تر، با قدرت آتش مخرب تر و پر حجم تر و نیز با پشتیبانی بین المللی وسیع تر و مؤثر تر، در برابر رزمندگان اسلام ظاهر می شود به طوری که بسیاری از تماشاگران صحنه نبرد را به فکر "توانستن" و "نمی شود" فرو می برد. در چنین وضعیتی و در مواجهه با چنین شرایطی او و سایر فرماندهان مقاوم و استوار، دچار خود کم بینی و تحیر نمی شدند بلکه بلافاصله به تجزیه و تحلیل وضعیت جدید دشمن می پرداختند و با توجه به توان یگان های خودی، برای فائق آمدن بر دشمن جدید به چاره اندیشی درباره آن می پرداختند.

برخورد آنها با چهره رزمی جدید دشمن و با فناوری های مدرن جنگ افزار های وی، برخوردی از روی حیرت و سر به

گریبان فرو بردن نبود بلکه برای خنثی کردن مدل جدید حضور دشمن در صحنه های نبرد، به ابتکارات و شیوه های جدید رزمی می اندیشیدند تا بتوانند توازن میدان رزم و موازنه قوا را به نفع نیروهای اسلام رقم بزنند و برای ایجاد تفوق بر دشمن به راه کارهای پیموده نشده می اندیشیدند.

بررسی تاکتیک نبردهای لشکر ۸ نجف اشرف که او بر آن فرماندهی می کرد مشخص می سازد که در همه آنها عنصر خلاقیت و نوآوری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هر جا عملیات سخت و تعیین کننده ای بوده است لشکر نجف و احمد کاظمی آنجا بودند. در برخی از عملیات ها، او موفق تر از دیگران و در برخی هم دیگران به موفقیت او کمک شایان کرده اند.

مثلاً در عملیات ثامن الائمه که به حصر آبادان پایان داده شد، موفقیت احمد در شب اول درگیری به انجام نرسید و لذا در روز اول و با کمک سایر نیروها، مقاومت دشمن در برابر نیروهای وی شکسته شد و ارتش بعثی به آن سوی رودخانه کارون رانده شد و همدلی و کمک فرماندهان به یکدیگر پیروزی بزرگی را برای مردم به ارمغان آورد.

به دلیل حضور دائمی لشکر ۸ نجف در عملیات گوناگون، دوران جنگ تحمیلی شهر نجف آباد، جایگاه والایی را در عرصه دفاع مقدس یافته است. این شهر با پرورش چهره برجسته ای همچون احمد کاظمی و نیز پرورش رزمندگان سلحشوری که در لشکر نجف سازماندهی می شدند نام خود را در صدر شهرهای مؤثر در دفاع از انقلاب اسلامی در دوران جنگ تحمیلی به ثبت رسانده است. رزمندگان لشکر نجف اشرف، همیشه تازه نفس، مقاوم و خستگی ناپذیر بودند و روحیات آنها در احمد تأثیر فراوانی داشت و نوآوری، ابتکار، تلاش پیگیر و پشتکار و نیز خلاقیت احمد هم در رزمندگان لشکر نجف اثر عمیقی بر جای گذاشته بود و آن را به یک یگان پر قدرت و تعیین کننده و رده یک یگان های رزمی سپاه تبدیل کرده بود. شاخص ترین ویژگی احمد کاظمی جان بخشیدن و قدرت دادن و انسجام بخشیدن به رزمندگان همراه خود بود. و

ویژگی های متعدد او نگذاشت که او فقط به عنوان یک شخصیت ممتاز دوران دفاع مقدس باقی بماند بلکه او در هنگامه پس از پایان جنگ تحمیلی نیز نقش مهم خود را در گسترش بخشیدن به امنیت کشور به خصوص در ایجاد فضای امن در مناطق شمال غرب کشور ایفا کرد.

ب- دوران پس از خاتمه جنگ تحمیلی و حضور در قرارگاه حمزه سیدالشهدا

برای بررسی نقش احمد، کاظمی باید اقدامات او را در دوران فرماندهی بر قرارگاه عملیاتی شمال غرب کشور که به منظور گسترش امنیت در آن منطقه و نیز مقابله با گروه های مسلح فعال در کردستان و آذربایجان غربی تشکیل شده بود نیز مورد ارزیابی و سنجش قرار داد.

کاظمی در سال ۱۳۷۲ به فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا برگزیده شد و به شهر ارومیه رفت و با موضوع ناامنی های شمال غرب کشور مواجه شد. او ابتدا وضعیت و شرایط منطقه و نحوه عمل ضد انقلاب و نیز روش های مقابله با آنها را که تا آن زمان مورد استفاده قرار می گرفت ارزیابی کرده و مورد بررسی و مطالعه قرار داد و آنگاه با اطلاعاتی که به دست آورد و با دیدگاهی که بر اساس آن پیدا کرد دست به فعالیت هایی به شرح ذیل زد:

۱- او اشراف اطلاعاتی بر گروه های ضد انقلاب را جایگزین منتظر حادثه ماندن و اقدامات دشمن کرد. او سعی کرد تا

احمد به فرماندهی و هدایت رزمندگان در میدان رزم و در صحنه عمل اعتقاد داشت و خود جلو می رفت و به رزمندگان می گفت بیا یید. بارها رزمندگان لشکر، او را با موتور سیکلت در خط مقدم جبهه دیده بودند که چگونه با تحرک فراوان، راه کارهای خود را ارائه می داد.

دشمن را به صورت کامل درک کند و بشناسد و بداند که نیروهای دشمن در کجا استقرار دارد، چگونه عمل می کنند، چگونه پشتیبانی می شوند، و از چه بسترهایی برای موفقیت استفاده می کنند.

۲- ایشان سازماندهی نیروهای قرارگاه حمزه را به شکل جدیدی انجام داد و ساختار نیروهای عملیاتی را متحول نمود و واحدهایی را برای ضربه زدن و انهدام دشمن متحرک که به صورت چریکی می جنگید سازماندهی نمود به طوری که می توان نام این واحدها را "نیروهای متحرک واکنش سریع" نام نهاد.

۳- او به منظور کاهش آسیب پذیری نیروهای خودی و خارج کردن آنها از دسترس دشمن، اکثر پایگاه های استقراری در ارتفاعات و در مسیر جاده ها را جمع آوری نمود و عملاً دشمن را بی هدف کرد. از آنجا که این پایگاه ها، خود تبدیل به هدف ثابتی برای عملیات دشمن شده بودند لذا آنها را برچید و رزمندگان آنها را از نیروهای پدافندی افسرده، تبدیل به گروه های مؤثر هجومی نمود به طوری که بدون افزایش حجم نفرات، بر استعداد نیروهای رزمی متحرک خود افزود و دشمن را سردرگم نمود و تاکتیک های قبلی دشمن را بلا اثر کرد. او قدرت خراب شدن بر سر دشمن را با سازماندهی نیروهای هجومی افزایش داد به طوری که حالا این دشمن بود که می بایستی در موضع تدافعی قرار می گرفت و هر آن، احتمال حمله نیروهای جمهوری اسلامی را به خود می داد. در واقع احمد سیاست "حمله بهترین دفاع است" را جایگزین "دفاع استقراری" در برابر دشمن نمود.

۴- او به خوبی دریافت که ریشه گروه های مسلح فعال در شمال غرب کشور، در خاک کشور همسایه عراق فعال است و صدام آنها را در مقابل جمهوری اسلامی ایران، تجهیز و تقویت و وادار به اقدام می نماید، بنابراین نمی توان امنیت پایدار را در مناطق شمال غرب کشور ایجاد کرد. مگر اینکه این ریشه زده شود. لذا او با همت بلند خود و با شجاعت متهورانه خود طرح محاصره پایگاه های دشمن در خاک عراق را مطرح و برای انجام آن

برنامه ریزی نمود. او حدود دو سال پس از حضور در قرارگاه حمزه، واحدهای زبده خود را به دنبال دشمن در عمق حدود ۱۰۰ کیلومتری خاک عراق فرستاد و موفق شد با محاصره دشمن، گروه های مسلح را وادار نماید که طی توافقنامه ای بپذیرند که دست از عملیات مسلحانه و ناامن کردن فضای زندگی مردم کرد و آذری بردارند و اجازه دهند که مردم منطقه، زندگی آرام خود را در ایران یکپارچه ادامه دهند و خود به یک گروه غیرمسلح تبدیل شوند.

او با این اقدام شجاعانه موفق شد که حدود سه هزار نفر از نیروهای مسلح احزاب دمکرات و کومه له و خانواده هایشان را در پایگاه های خود در کوی سنجد در منطقه اربیل در شمال عراق به محاصره خود در آورد و بدون شلیک حتی یک گلوله، آنها را وادار به تسلیم نماید. این اقدام که دو روز به طول انجامید اثر عمیقی بر امنیت مردم در کردستان گذاشت و از آن پس، منطقه کردستان و آذربایجان غربی از بسیاری از شهرهای ایران امن تر گردید به طوری که وقتی یک بار در آن ایام در سفر به شهر ارومیه به اتفاق احمد تا مهاباد رفتیم و از طریق دره قاسملو به قرارگاه حمزه بازگشتیم امنیت ایجاد شده در منطقه را با چشم سر مشاهده کردیم. همچنین در سفر دیگری به اتفاق او تا منطقه حاج عمران در خاک عراق رفتیم و اثری از گروه های مسلح دمکرات و کومه له ندیدیم. لازم به ذکر است که در آن ایام به جای تقدیر فراوان از تلاش های وی، سر کار او با سازمان قضایی نیز افتاد که خود حدیثی است.

۵- با توجه به اطلاعاتی که از دشمن به طور مرتب کسب می شد او حرکت گروه های مسلح را از خاک عراق به سمت خاک ایران در کنترل داشت و به محض اینکه آنها به مرز ایران می رسیدند او به گونه ای غافلگیرانه به دشمن کمین می زد و با انجام عملیات پر قدرت و با آتش انبوه و شدید و با سرعت بسیار، موجب پراکنده شدن آنها می شد.

۶- مذاکره و تماس با سران گروه های مسلح از طریق واسطه ها به منظور قانع کردن آنها به اجتناب از عملیات مسلحانه و درگیری نظامی.

این یکی از روش های اصولی احمد در برخورد با ضد انقلاب بود که در عین درگیری با واحدهای مسلح آنها، از طریق طرف های مرتبط با آنها مذاکره می کرد تا اقدامات مسلحانه را به کناری گذاشته و به زندگی در محیط امن روی آورند. هنگامی که منطقه شمال غرب به ضریب امنیتی مناسبی رسیده بود احمد دچار یک دل درد شدید شده بود در این هنگام و در سال ۱۳۷۷ چندین بار با او درباره نحوه معالجه اش صحبت کردم او از روش های درمان مرسوم خسته و تا حدی مأیوس شده بود لذا ایشان را به یک دکتر گیاهی معرفی کردم. احمد با توصیه دکتر و با تغییر روش های تغذیه خود و با استفاده از برخی گیاهان دارویی به خوبی معالجه شد و آن درد شدید او را رها کرد.

ج- فرماندهی بر نیروی هوایی سپاه

با توجه به شناختی که احمد در دوران دفاع مقدس از نیاز یگان های زمینی به پشتیبانی هوایی پیدا کرده بود، در این سمت به تاکتیکی تر شدن نیروی هوایی سپاه کمک کرد و تلاش نمود تا این نیرو از یک یگان ترابری به سمت یک نیروی رزمی هوایی به خصوص برای پشتیبانی نزدیک از رزمندگان عزیز در خط مقدم جبهه، سیر کند لذا او هواپیماهای تاکتیکی را در این نیرو به کار گرفت و بالگردهای هجومی را در آن سازمان داد و برای تسلط اطلاعاتی بیشتر بر دشمن وجود هواپیماهای بدون سرنشین را بسیار ضروری تشخیص داد و برای استفاده بیشتر از

او به اندیشه و تفکر امام خمینی (ره) به وضوح پایبند بود و بصیرت نظری کافی برای مقابله با دشمن عنود داشت لذا به هنگام عمل و اقدام علیه ارتش صدام،

هیچ گاه دچار تزلزل و سستی نمی گردید و در صحنه برخورد و رویارویی با دشمن و در میدان عمل و رزم، شجاعت و قهرمانی می یافت.

آنها برنامه ریزی کرد. او اهمیت زیادی برای ساخت هواپیماهای پیشرفته تر بدون سرنشین قائل می شد و خود در این راه اقدام کرد.

او مجموعه یگان موشکی سپاه را قدرت بخشید و برای به کارگیری موشک های دوربرد شهاب برنامه ریزی کرد. همچنین ایشان اهمیت تعمیر و نگهداری هواپیماها و بالگردها را به خوبی درک کرده بود و خود مجموعه ای را بدین منظور ساماندهی کرده بود که به راحتی بتوانند هواپیماها را سرپا و عملیاتی نگهدارند. در این دوران که ارتباط کاری نزدیک تری با وی پیدا کردم او را انسانی مصمم و پرتلاش برای توسعه توان هوایی سپاه یافتم که به سرعت بر یادگیری خود در حوزه هوانوردی می افزود.

د- فرماندهی بر نیروی زمینی

دوران مدیریت او بر نیروی زمینی سپاه، مصادف با اعمال فشارهای امریکا بر ایران به بهانه پرونده هسته ای بود. حرف از تهدید نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران هر از چندگاهی مطرح می شد و حضور نظامی گسترده امریکا در عراق و افغانستان و ناوگان نظامی ایالات متحده در خلیج فارس و نیز سیاست حمله پیشگیرانه شیطان بزرگ و حاکمیت جنگ طلبان بر کاخ سفید، هوشیاری و آمادگی رزمی فراوانی را برای نیروهای مسلح ایران می طلبید. شاید یکی از بهترین گزینه ها برای فرماندهی نیروی زمینی سپاه در این دوران متلاطم و نامطمئن و به سر تهدید که بتواند تجربیات گسترده خود را از دوران جنگ تحمیلی، برای سازماندهی یک نیروی کاملاً تاکتیکی به کار گیرد احمد کاظمی بود. او یک انتخاب مناسب برای این مسئولیت بود. احمد در ایام کوتاه ۵ ماهه فرماندهی بر نیروی زمینی سپاه، تلاش وسیعی را برای ارتقاء سطح توانمندی های رزمی سپاه با توجه به احتمال تهدید نظامی امریکا علیه ایران انجام داد. او در این چند ماه با توجه به تجربیات خود در جنگ های کلاسیک و منظم و نیز در جنگ های چریکی و نامنظم و با توجه به درک خود از توانمندی های هوایی، اقدامات مؤثری را برای تجدید ساختار و سازماندهی و

امریکا و اقدام احتمالی اسرائیل علیه ایران و مطالعه در مورد جنگ آینده و نیازمندی های آن.

۵- برنامه ریزی برای ایجاد واحدهای پرقدرت، با تحرک و پر سرعت و در عین حال با انعطاف از نظر ساختاری و سازمندی به منظور مقابله مؤثر با تهدیدات محتمل آینده.

ویژگی های احمد

شیوه فرماندهی در یگان های رزمی سپاه را باید از روش فرماندهی نظامی در سایر نقاط دنیا جدا کرد. شیوه مدیریت و رهبری فرماندهان یگان های رزمی سپاه عمدتاً از طریق فرماندهی بر دل ها و اقناع فرماندهان تحت امر بوده است به طوری که روش دستوردهی و امرپذیری رایج در سازمان های نظامی در آنها وجود نداشت. علاقه و محبت و دوستی یک رابطه پایدار بین فرمانده و همزمان بود و احمد هم در این ویژگی با سایر فرماندهان مشترک بود. احمد کاظمی فرماندهی دارای شایستگی ها و قابلیت های گوناگون بود به طوری که هم بالشکر پیاده به خوبی می جنگید و هم بسیار مسلط بر یگان های زرهی فرماندهی می کرد و هم در تدارک یگان های خود مهارت داشت. او فرمانده ای زرنگ و زیرک بود به طوری که بنا بر تعبیر برخی همزمانش سردشمن هم کلاه می گذاشت و دشمن را به طور مرتب فریب می داد. او در تاکتیک های خود، تلاش اصلی مانور خود را بر تصرف منطقه ای می گذاشت که تسلط بر آن بر سایر محورها تأثیر اساسی داشت و با چیرگی بر آن دشمن را در اطراف آن محور هم مضمحل می کرد. احمد از نظر فردی انسان مخلص، با خدا و محکم بود و این ویژگی ها او را در مقابل دشمن، بسیار مقاوم و پایدار کرده بود.

یکی از ویژگی های مهم او این بود که در جایی که امکان اجرای عملیات نبود و با موفقیت در آن با ابهام روبه رو بود به طور صریح نظر خودش را با صراحت بیان می کرد. از او این جمله که "من راه نمی برم" بسیار در جلسات طرح مانور شنیده می شد. یعنی نمی دانم که چگونه باید این عملیات انجام شود و راهی برای رسیدن به هدف وجود ندارد.

مثلاً در زمانی که شهید صیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی

بررسی تاکتیک نبردهای لشکر ۸ نجف اشرف

که او بر آن فرماندهی می کرد مشخص

می سازد که در همه آنها عنصر خلاقیت و

نوآوری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هر

جا عملیات سخت و تعیین کننده ای بوده است

لشکر نجف و احمد کاظمی آنجا بودند.

مهندسی مجدد نیروی زمینی به کار گرفت که برخی از آنها به شرح ذیل است:

۱- کاستن از حجم نیروهای ستادی و پرداختن به تکمیل استعداد نیروهای انسانی واحدهای صف.

او به خوبی دریافته بود که عامل اصلی در یک نبرد موفق، وجود انسان های با انگیزه قوی و آموزش دیده است که برای خدا بجنگند و باید به افرادی که در خط مقدم درگیری با دشمن قرار می گیرند بهای بیشتری قائل شد تا آنها بدون دغدغه بتوانند تمام توان خود را برای مقابله با دشمن به کار گیرند و از رفتن به ستادها استقبال نکنند.

۲- سرکشی مداوم از لشکرها و تیپ ها و واحدهای نیروی زمینی.

به منظور ایجاد آمادگی روحی در بین یگان ها برای یک درگیری احتمالی و نیز عملیاتی تر نمودن آنها و آگاهی از واقعیت های موجود آنان و در نتیجه فعال تر کردن آنها بازدید از واحدهای مختلف در دستور کاری برنامه احمد قرار داشت. نگاهی به فهرست بازدیدها و سرکشی های فشرده او از یگان های مختلف نیروی زمینی در دوران کوتاه مسئولیتش ما را متوجه عمق تأثیر حضور مثبت او در این عرصه می نماید.

۳- انحلال مراکز غیر ضروری و واحدهای بدون مأموریت و سازمان دادن نیروها و امکانات آنها در یگان های عملیاتی و در نتیجه کمک به چابک تر شدن نیروی زمینی.

۴- برنامه ریزی برای یک جنگ نامتقارن در مورد تهدید احتمالی

زمینی ارتش پس از عملیات بدر قرارگاه کمیل را تشکیل داد و می‌خواست از روی ضلع شرقی جزیره جنوبی خیبر به سمت شمال منطقه نشو و نیز در منطقه طلائیة عملیات انجام دهد، به احمد کاظمی گفته شده بود که یگانش با این قرارگاه همکاری نماید. او در آن زمان به همراه شهید دستواره به قرارگاه آمد و به من در جلوی شهید صیاد شیرازی گفت «من در حد حرف در خدمت هستم» و منظورش این بود که طرح شهید صیاد شیرازی برای تصرف این منطقه، اجرایی نیست و موفقیتی از آن حاصل نخواهد شد. به نظر من این یکی از خصوصیات یک فرمانده شایسته است که حرف دل و گفته زبان‌ش یکی باشد و آنچه را نادرست می‌بیند به صراحت به فرمانده بالاتر بگوید. لازم به ذکر است که در دوران جنگ تحمیلی، فرماندهان تصمیم‌گیر از این روحیه و از این گونه آزادمنشی استقبال می‌کردند و به همین خاطر فضای قرارگاه‌های سپاه یکی از فضاهای آزاد بحث و اظهار نظر در مورد هر عملیات، به هنگام طرح ریزی و تعیین منطقه عملیات و نیز چگونگی و آرایش یگان‌ها برای انجام مانور بود. به طور کلی می‌توان گفت که احمد درک درستی از تاکتیک و نحوه به کارگیری افراد، واحدها و تجهیزات برای انجام یک عملیات داشت و خیلی خوب سازمان رزم یگان خود را در هر عملیات تنظیم می‌کرد و از توان رزمندگان خود و تجهیزات موجود به خوبی استفاده می‌کرد و چون شناخت مناسبی از دشمن و نحوه جنگیدن وی پیدا کرده بود می‌توانست به خوبی طرح مانور مناسبی را برای لشکر نجف برنامه‌ریزی نماید و به صورتی کار آمد این یگان را در هر عملیات به کار گیرد.

جمع‌بندی

به طور خلاصه باید گفت:

۱- احمد انسان قابل و توانایی بود به طوری که در طول حیات پر بار خود مسئولیت‌های گوناگونی را بر عهده گرفت و هیچ‌گاه دور از مسئولیت و در حاشیه نبود. او همیشه در جهاد بود و نه تنها از بیم مرگ، جهاد در مقابل دشمن را ترک نکرد بلکه او در جهاد و در مسئولیت‌های مختلف به دنبال رسیدن به فوز عظیم

شهادت^۲ بود که بالاترین مراحل کمال انسانی است.

۲- او در این اواخر به ارزش نیروهای انسانی و رزمندگان پر سابقه در جبهه‌های جنگ، بیشتر از گذشته پی برده بود و برای آنها جایگاه ویژه‌ای قائل بود و برای جبران برخی ناملایماتی که برای بعضی از فرماندهان و اعضاء لشکر نجف و سایر نقاطی که او فرماندهی آنها را بر عهده داشت پیش آمده بود در تلاش بود. ۳- او بسیاری از ناگفته‌های جنگ را در سینه داشت که برخی از آنها را در جلساتی که فرماندهان در منزل برادر محسن رضایی و یادر مراکز دیگر جمع می‌شدند با اصرار حاضرین، بیان می‌کرد اما متأسفانه بسیاری از خاطرات و ناگفته‌های وی ضبط و ثبت نشده است. جادارد که سپاه به سرعت تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس را با ثبت خاطرات فرماندهان مؤثر جنگ تدوین نموده و برای آگاهی مردم و به خصوص جوانان عزیز انتشار دهد. ۴- او فرد بسیار پر کار، کم مصرف، کم هزینه و پرفایده‌ای برای کشور بود. کار از دست او خسته می‌شد ولی او از کار و تلاش خسته نمی‌شد و به حق با فعالیت‌های خود افتخارات بزرگی را نصیب کشور کرد.

۵- او همیشه برای روبه‌رو شدن با مهم‌ترین مأموریت‌های نظامی و عملیات جنگی و روبه‌رو شدن با دشمن آمادگی داشت و بارها با فداکاری‌ها و موفقیت‌های خود در دوران سخت جنگ، موج خوشحالی را در دل‌های مردم و لبخند شادی را بر چهره فرماندهان عالی دفاع مقدس نمایان ساخت.

۶- احمد به عنوان فرماندهی اهل خرد، پاسداری اندیشه ورز، رزمنده‌ای صاحب درد که در بین همراهان خود محبوب، با نفوذ، و مورد اعتماد سایر فرماندهان دفاع مقدس بود شناخته می‌شد و بارها مورد تقدیر بزرگان قرار گرفت.

۷- کاظمی محصول عینی دوران دفاع مقدس و دوران انتشار اندیشه امام خمینی (ره) بود. دورانی که به این سادگی‌ها تکرار نخواهد شد و زمینه عملی برای پرورش این گونه انسان‌های آب‌دیده و جامع، به وجود نخواهد آمد و رفتن او ثلمه‌ای بود که مادر دهر به سادگی چون او نخواهد زاد. احمد در واقع یکی از نام‌آورترین سرداران فداکار اسلام در عصر انقلاب اسلامی و

در عین حال برای بسیاری از مردم ایران گمنام‌ترین فرماندهان دوران دفاع مقدس بود. او کم مصاحبه می‌کرد و کمتر از خود و عملیات‌هایش می‌گفت. چند بار در زمان تصدی فرماندهی نیروی هوایی از وی خواسته شد که در مورد تلاش‌هایش با مجله صنایع هوایی مصاحبه کند که سرانجام او مطلبی نگفت و ساکت ماند.

به نظر می‌رسد با فقدان احمد، جای خالی تدوین تاریخ شفاهی جنگ و ثبت خاطرات فرماندهان مؤثر در دوران دفاع مقدس در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه بیش از پیش به خوبی خود را نشان می‌دهد که امید است همت بلندی این نقیصه را بر طرف کند و کتاب‌های فراوانی با انتشار این خاطرات در اختیار مردم قرار گیرد. زیرا یکی از مهم‌ترین نیازهای فرهنگی جامعه ما نیاز به آگاهی از میراث گرانبهایی است که بزرگان و حماسه‌آفرینان دفاع مقدس بر جای نهاده‌اند. باید مردم بدانند که فرماندهان و برنامه‌ریزان دفاع مقدس در چه زمانی و در چه شرایطی و چگونه می‌زیسته‌اند؟ و هر یک چه آثاری در دفاع مقدس پدید آورده‌اند و چه نقشی در بیرون‌راندن ارتش بعثی از خاک کشور عزیزمان داشته‌اند و چگونه از انقلاب اسلامی با تمام وجود خود پاسداری کرده‌اند.

در مجموع دی ماه سال ۱۳۸۴ یکی از روزهای پر خسارت برای سپاه و قدرت دفاعی کشور بود احمد کاظمی در زمانی که خیلی به وجود او و سایر هم‌زمان شهیدش نیاز بود به سرای باقی شتافت. گرچه او به آسانی فراموش نخواهد شد ولی جای خالی او با گذشت روزگار بیشتر احساس می‌شود.

دوش در حلقه ماقصه گیسوی تو بود

تادل شب سخن از سلسله موی تو بود

دل که از ناوک مژگان تو در خون می‌گشت

باز مشتاق کمانخانه ابروی تو بود.